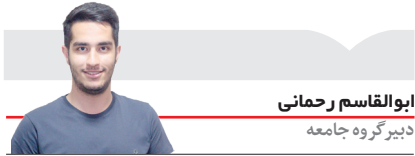


«فرهیختگان» دستورالعمل جدید قوه قضائیه برای بازپس گیری اموال نامشروع مسئولان را بررسی کرد

# چراغ سبز به سازمان‌های مردمی برای کشف اموال نامشروع



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

رئیس قوه‌قضائیه با ابلاغ دستورالعملی، دادستانی کل

### دستورالعملی برای دستورالعمل جدید

گفته می‌شود قانون اعاده اموال نامشروع، با هدف مقابله و مبارزه با فساد تصویب‌شده به‌دنبال آن است که اموال نامشروع مسئولان را که به‌واسطه سوءاستفاده از جایگاه شغلی و مدیریتی آنها کسب شده شناسایی کرده‌ده و به بیت‌المال یا صاحبان حق بازگرداند. رئیس دستگاه قضا هم درجهت اجرای همه‌جانبه و سریع‌تر این قانون و تقویت و تسریع مبارزه با فساد به‌خصوص فساد در بین مدیران و مسئولان، دستورالعملی را ابلاغ کرده است که مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه‌قضائیه و دادستانی کل کشور را موظف می‌کند ظرف مدت یک‌ماه با کمک سامانه رسیدگی به دارایی و اموال مسئولان، مقدمات اجرای این قانون را فراهم و شناسایی اینگونه

اموال را آغاز کنند. بر اساس این دستورالعمل، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، دستگاه‌های امنیتی، پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد به دادستانی کل کشور در شناسایی اموال نامشروع کمک خواهند کرد و دادستانی موظف است با اولویت رسیدگی به ثروت‌های کلان نامشروع و بدون ملاحظه مقام و مسئولیت فرد خاطی به تخلفات رسیدگی کند. با این تفاسیر اما همان‌طور که گفتیم، نظارت نهاد‌های نظارتی که از آنها نام برده شده است، می‌تواند در درجه پایین‌تری از نظارت‌های مردمی و به‌قولی سازمان‌های مردم‌نهاد قرار بگیرند. چرا؟ به این دلیل که نهاد‌های نظارتی سازمانی و درون‌سازمانی، گاهی به دلایل مختلفی ازجمله مصلحت و برخی ملاحظات و... نسبت به چنین مسائلی چشم‌پوشی می‌کنند،

موقعیت‌شغلی و مدیریتی مسئولان را که سبب کسب اموال نامشروع شده پیگیری کرده و درواقع اموال نامشروع را به بیت‌المال و صاحبان حق اعاده کنند. بر این اساس دادستانی کل کشور همراه با مراکز فناوری اطلاعات قوه‌قضائیه مکلف شدند ظرف یک‌ماه سامانه‌ای را طراحی کرده و تهیه و تدارک ببینند و با استفاده از امکانات و اطلاعات نهاد‌های نظارتی و امنیتی ازجمله سازمان بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، سازمان تعزیرات و نهاد‌های مرتبط پلیس اطلاعات لازم را مبنی بر گزارش‌های مربوط به سوءاستفاده‌های مسئولان و مدیران کشور در این خصوص ارائه‌دهند. به‌لحاظ چرخه کار اجمالا توضیحی بیان می‌کنم که پس از وصول اطلاعات، دادستان کل گزارش‌های واصله را در اختیار دادستان‌های مربوطه قرار می‌دهد. دادستان‌ها افراد مرتبط و در مظان اتهام را دعوت می‌کنند و پس از بررسی لازم و دریافت اسناد و مدارک مربوطه چنانچه ادله کافی مبنی بر مشروع بودن اموال تحصیلی به‌دست آمد، دستور بایگانی شدن پرونده را صادر می‌کنند. در غیر این صورت اگر فرد در مظان اتهام، اتهامات وارده را پذیرفت و آماده همکاری و اعاده اموال بود، موضوع صورتجلسه می‌شود و این همکاری موردلحاظ قرار می‌گیرد و مراتب به دادگاه ارسال می‌شود. در غیر این صورت با تکمیل پرونده جهت رسیدگی موضوع به شعب تخصصی ویژه‌ای که به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تایید رئیس قوه‌قضائیه رسیده، شعب اختصاصی ویژه به این موضوعات رسیدگی می‌کنند. در صورتی که ظن قوی بر نامشروع بودن اموال وجود داشته باشد، اشخاص مکلف هستند اسناد مثبت شروع بودن مالکیت و اموال خود را به اثبات برسانند. در اینجا اصل بر صحت

### همان گزاره معروف از کجا آورده‌ای؟

ابتدا با رسول کوهپایه‌زاده، حقوقدان و وکیل پایه‌یک دادگستری به گفت‌وگو پرداختیم و این حقوقدان در رابطه با دستورالعمل جدید رئیس دستگاه قضا به «فرهیختگان» گفت: «همان‌طور که مستحضر هستید، روز گذشته دستورالعملی درخصوص بازپس گیری اموال و دارایی‌های نامشروع ازسوی رئیس محترم قوه‌قضائیه صادر شد که نقطه عطفی درخصوص مبارزه با فساد و دانه‌درشت‌ها و اشخاصی است که از موقعیت، جایگاه و مقام خود جهت تحصیل نامشروع اموال سوءاستفاده کردند که حائز نکات مهم و قابل توجهی است. درواقع ریشه قانونی این دستورالعمل به اصل ۴۹ قانون اساسی برمی‌گردد که متعاقب این اصل قوانینی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد ازجمله اینکه طرح اعاده اموال نامشروع در سال ۹۸ توسط نمایندگان محترم مجلس مطرح شد که حاصل آن قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون بوده و درواقع دستورالعمل اخیر در راستای اجرایی کردن این قانون است. اصل ۴۹ قانون اساسی اشاره دارد که دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحبان حق رد کند و در صورت معلوم نبودن آن به بیت‌المال بدهد. بر اساس دستورالعمل مذکور رئیس قوه‌قضائیه به‌طور مشخص دادستان کل کشور را موظف کرده که با همکاری دستگاه‌های امنیتی و نظارتی و استفاده از گزارش‌های مردم و همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد درواقع گزارش‌هایی مبنی بر سوءاستفاده‌های احتمالی از

به‌طوری‌که می‌توان وضعیت موجود و پیش‌آمده را هم ضعف در همین مدل از ساختارهای نظارتی دید و دانستست. نکته دوم اما این است که گاهی هم خود این نهاد‌های نظارتی نیاز به نظارت دارند! در پرونده‌هایی نظیر هفت‌سنگان و نیاوران قزوين، کلاک و... این خود نهاد‌های نظارتی بوده‌اند که تخلف کرده بودند و در جایگاه متهم قرار داشتند. به همین خاطر نمی‌توان صرف‌تکیه بر گزارش‌ها و نظارت‌های این نهاد‌ها خیال را آسوده‌نگه داشت که تخلفی رخ نمی‌دهد. در یک چنین شرایطی ناظر سالم و بیرونی چیست؟ اینجا می‌توان نام سازمان‌های مردم‌نهاد و نظارت‌های مردمی را برد. اصلا همین چندسال اخیر را با هم مرور کنیم، به جرات می‌توان گفت اصلی‌ترین و شاید بزرگ‌ترین موارد گزارش‌ها از تخلفات برخی مدیران و

معاملات تلقی نشده و اصل بر برائت گرفته نشده است. در این موارد که ظن غالب وجود دارد، دارنده اموال و مالک اموال باید بگوید از کجا آورده است. همان گزاره معروف «از کجا آورده‌ای؟» است. بار اثبات مشروعیت اموال و مالکیت برعهده اشخاصی است که در مظان اتهام قرار گرفته‌اند و ظن قوی نسبت به نامشروع بودن اموال آنها وجود دارد. نکته مهم و بدیع که درخصوص فرآیند رسیدگی و تشخیص مشروع بودن یا عدم مشروعیت اموال و نهایتا حکم به اعاده اموال به ذی‌حق یا بیت‌المال وجود دارد، در ماده ۱۱ و ۱۲ دستورالعمل مورد بحث انعکاس پیدا کرده است. ماده ۱۱ دستورالعمل اینطور می‌گوید رسیدگی به موضوع اموال قانون و اعاده آن مطابق قانون منوط به وجود اتهام کیفری یا اثبات جرم نیست و ترتیبات رسیدگی به اموال موضوع قانون نیز تابع ترتیبات شناسایی و رسیدگی به جرائم نیست. ماده ۱۲ هم این‌طور بیان می‌کند در صورتی که شخصی مظنون به دارا بودن اموال موضوع قانون قبلا متهم به ارتکاب جرمی بوده و پرونده اتهامی وی به‌صور حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب منتهی شده باشد، این امر مانع شناسایی و رسیدگی به اموال وی نیست. نکته مهم در این دو ماده این است که فردی که محکوم به اعاده اموال به بیت‌المال می‌شود، لزوما نباید طی فرآیند رسیدگی کیفری قبلا محکومیت پیدا کرده باشد. فرض کنید در پرونده‌هایی از این جنس معمولا افراد به‌دلیل ارتکاب‌بزه کلاهبرداری یا تحصیل مال از طریق نامشروع یا پولشویی یا جراثمی از این دست محکوم به رد مال می‌شوند. نکته قابل توجه در این دستورالعمل این است که در رسیدگی کنونی نیازی به طی کردن فرآیند رسیدگی کیفری نیست یا اینکه حتی اگر فردی قبلا پرونده کیفری داشته است و در

این پرونده کیفری برائت یا منع تعقیب یا موقوفی تعقیب هم صادر شده اما باز این بدین معنایست اموالی که در اختیار دارد و تصاحب کرده به‌دست آورده، چنانچه این اموال نامشروع باشد، دستور به اعاده و رد اموال به بیت‌المال صادر نشود. این مهم از این حیث قابل توجه است که این افراد با توجه به ارتباطات غیرقانونی که قبلا داشتند و بعضا در دستگاه قضایی به‌واسطه برخی از دخالت‌های نابجا و استفاده از برخی رانت‌ها موفق به کسب رای برائت هم شدند، مصون از بازخواست مجدد و بررسی اموال آنها نیستند. به‌عبارت دیگر این دستورالعمل بیش از آنکه به‌دنبال مجازات کیفری متخلفان و مجرمان باشد، تمرکز و اساس و شالوده آن بر مبنای اعاده اموال به بیت‌المال مستقر شده‌و از نگاه کیفری تاحدی فاصله گرفته است و بر مازین و مبنای حقوقی به‌خصوص بحث دارا شدن غیرعادلانه و به ناحق تمرکز پیدا کرده است یعنی هر چند ممکن است قبلا شخصی برائت حاصل کرده باشد یا فعل ارتكابی او براساس قوانین و مقررات جاری دارای وصف کیفری هم نباشد، اما بر اساس سوءاستفاده‌ای که از موقعیت و رانت‌های ویژه داشته، اموالی را تصاحب کرده، این اموال باید به بیت‌المال مسترد شود. درخصوص اطلاع‌رسانی از نحوه رسیدگی و آرای دادگاه‌ها دستورالعمل در مواردی که نظم عمومی و وجدان جمعی اقتضا کند، با درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه‌قضائیه اطلاع‌رسانی از جلسات دادگاه و آرای دادگاه بلااشکال است. مورد دیگر این است که معاون اول و دادستان کل با جمع‌بندی گزارش‌های دریافتی حداکثر تا ۱۵ اردیبهشت هرسال موظف شدند گزارش عملکرد سالیانه را به مجلس و حوزه ریاست قوه‌قضائیه جهت اطلاع‌رسانی ارسال کنند.»

#### اول باید جایگاه و موقعیت سازمان‌های مردم‌نهاد را تقویت کرد

این حقوقدان با اشاره به نقش شهروندان در اجرای این قانون گفت: «فعال تر شدن نهاد‌های نظارتی و اطلاعاتی و امنیتی و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در این خصوص اقدام مثبتی درجهت مبارزه با فساد و اعاده این‌وجوه نامشروع به‌ذی‌حق خواهد بود. ولیکن یک نکته بسیار مهم که در این دستورالعمل مورد تأکید قرار گرفته بحث اعتبار و استناد به گزارش‌های شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد است. در پدیده مبارزه با فساد به‌طور اعم و این دستورالعمل درخصوص اموال نامشروع مدیران و مسئولان به‌طور اخص باید جایگاه ویژه‌ای را برای بحث نحوه جذب گزارش و مستند قرار دادن این گزارش‌ها از ناحیه شهروندان و نهاد‌های مردم‌نهاد قرار دهیم. درخصوص تقویت جایگاه و موقعیت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منظور نیل به اهداف دستورالعمل به‌نظر می‌رسد راهکارهایی را باید مدنظر قرار دهیم. در وهله اول ایجاد تسهیل و رفع موانع و تسریع درجهت صدور مجوز برای فعالیت نهاد‌های مردم‌نهاد است. مورد دیگر موضوع حمایت معنوی از نهاد‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های مردمی است. به‌عنوان مثال می‌شود در هفته قوه‌قضائیه همان‌طور که از قضات برتر تقدیر و تشکر به‌عمل می‌آید از نهاد‌های مردم‌نهاد منتخبی که در کشف فساد و ارائه گزارش‌های مربوطه اقدامات قابل توجهی انجام دادند نام برد و حمایت کرد و مورد تقدیر و قدردانی قرار داد. موضوع ارائه پاداش به گزارش‌های اشخاص و شهروندان هم باید نظم و سازمان مشخصی پیدا کند و شاید یک‌دهم بودجه‌ای که صرف کشف جرم و مبارزه با فساد در دستگاه‌های پیشگیری از جمله پلیس، ضابطان و دادگستری و... می‌کنیم اگر یک‌دهم این را به پرداخت پاداش و جایزه به گزارش‌های موثق شهروندان درخصوص اعلام جرم مرتبط با فساد‌های مالی اختصاص دهیم، بازخورد و نتیجه بهتری به‌دست می‌آوریم. از بعد فنی و تکنیکی قضیه هم سه‌سامانه‌ای که طراحی و تنظیم می‌شود و در اختیار مردم قرار می‌گیرد به‌لحاظ فنی باید آنقدر سهیل الوصول و درعین حال ساده و راحت و از امنیت بالایی برخوردار باشد که شهروندان با داشتن حداقل اطلاعات و آگاهی از نحوه کارکردن در فضای مجازی بتوانند به‌راحتی اطلاعات خود را با حفظ کامل جنبه محرمانگی به دادستانی کل کشور منتقل کنند و گزارش‌ها را ارائه دهند. ایجاد یک بخش یا تأسیس معاونت در نهاد‌های قضایی، نظارتی و امنیتی مرتبط با نهاد‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های مردمی و حتی در خود قوه‌قضائیه تأسیس چنین واحدی که مرتبط با امور سازمان‌های مردم‌نهاد باشد قطعاً می‌تواند درجهت تسهیل و پیشرفت و بهبود کارایی این امور کمک شایان توجهی را داشته باشد. من در پایان عرایض صحبت‌های یکی از نمایندگان محترم مجلس را در این خصوص یادآوری می‌کنم که ایشان بیان کردند اگر ۵۰۰ نفر از مدیران ارشد کشور را از این حیث مورد نظارت قانونی قرار دهیم کمک قابل توجهی به مبارزه با فساد و اعاده اموال به بیت‌المال خواهد کرد. ایشان در زمانی که طرح مربوطه در مجلس درحال بررسی بود عنوان کرد از این منظر ۲۰۰ هزار میلیارد تومان اموال به بیت‌المال اعاده خواهد شد.»

#### به‌راحتی می‌توان مدیرانی که چنین امکانی را دارند رصد کرد

کوهپایه‌زاده ادامه داد: نکته‌ای که وجود دارد این است که درواقع این ثروت‌اندوزی نامشروع با سوءاستفاده از رانت‌های اطلاعاتی و موقعیت‌های حساس مسئولان و مدیران ارشد امکان‌پذیر می‌شود یعنی اشخاصی که در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حضور دارند، از تصمیماتی که گرفته می‌شود مطلع می‌شوند. در مراکز حساس پولی، مالی، بانکی و... قرار دارند و این گلوگاه‌های فساد باعث بروز فساد‌های کلانی می‌شود. این اموال نامشروع چه به‌صورت وجه نقد و چه به‌صورت اموال منقول و غیرمنقول به‌نحوی به آشنایان و مرتبطان و خانواده و نزدیکان خانواده و مسئولان و مدیران ارشد منتقل می‌شود. تعداد مدیران ارشدی که این قابلیت را با لاقوه دارند که از موقعیت و جایگاه ویژه خود سوءاستفاده کنند آنقدر زیاد نیست که دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی ما نتوانند مرادات آنها را با نزدیکان خود و رابطان خود رصد کنند و نتوانند آنها را در حیطه اشراف اطلاعاتی و نظارتی خود قرار دهند. به‌نظر می‌رسد اگر ما به‌طور مشخص با ایجاد بخش‌های مرتبط با رصد و نظارت بر مدیران و مسئولان مربوط در نهاد‌های نظارتی، امنیتی و اطلاعاتی کار را پیش ببریم امکان شناسایی اموالی که به نزدیکان و مرتبطان مدیران و مسئولان ارشد منتقل می‌شود، فراهم‌تر خواهد بود نهایتا کشف اموال نامشروع و اعاده آنها به بیت‌المال با سهولت بیشتری همراه خواهد بود. یکی از مواردی که در دستورالعمل هم مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی و مقررات بین‌المللی مرتبط درخصوص ردیابی انتقال وجوه است. البته مستحضر هستید بعضا این تخلفات به این نحو عملی می‌شود اشخاصی که مورد وثوق و اعتماد مسئولان و مدیران ارشد هستند با برقراری ارتباط با واسطه‌هایی در خارج از کشور و اخذ وجوه کلان در حساب‌های بانکی که با مشخصات کاملاً غیرمرتبط است که امکان شناسایی و پیگیری را دشوار می‌کند، مثلاً برای برگزاری برخی از مناقصات بین‌المللی یا برنده اعلام کردن برخی از شرکت‌های خارجی در برخی از طرح‌ها و پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف در داخل کشور وجوه کلانی به آن دلال‌ها و واسطه‌ها که مورد وثوق مدیران ارشد هستند در بانک‌های خارجی پرداخت می‌شود که هیچ‌ر د و آثاری در داخل از آن پیدا نمی‌شود و به‌دست نمی‌آید.»

#### ما تشکل مردم‌نهاد واقعی نداریم، وقتی این را نداریم، عملا نظارت آنها بلاموضوع است

می‌شود مردم احساس بی‌تفاوتی پیدا کنند که این هم شعار و حرف است. با معاون آقای رئیسی صحبت کردم و گفتیم اگر می‌خواستید تشکل‌ها وارد کار شوند و این قدرت را داشته باشند علیه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که تخلف کردند، اعلام جرم کنند باید اجازه می‌دادید طبق قانون اساسی کار کنند. مگر قانون اساسی نگفته است حفظ محیط‌زیست وظیفه عمومی است. این امر در قانون اساسی به سازمان محیط‌زیست یا سازمان جنگل‌ها یا منابع طبیعی و... واگذار نشده است. من هم به‌عنوان شهروند جمهوری اسلامی طبق اصل ۵۰ قانون اساسی احساس می‌کنم فلان حرکت وزارتخانه یا فلان فرد به تخریب محیط‌زیست منجر می‌شود و من باید حق داشته باشم که شکایت کنم. دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم باید شکایت من را جدی بگیرد. وقتی این تخلفات را مطرح می‌کنید می‌گویند شما چه کاره هستید که شکایت می‌کنید. باید دستگاه ذریبط شکایت کند. دستگاه ذریبط مگر دیوانه است که شکایت کند؟ بنیاد کودک و طبیعت را تأسیس کردیم و آن را تعطیل کردند و گفتند حق ندارند در زمینه کودک و طبیعت فعالیت کنید. وقتی نمی‌توان در این حوزه فعالیت کرد در چه حوزه‌ای می‌خواهید فعالیت کنید. رئیس هیات‌مدیره بنیاد کودک و طبیعت محمد درویش است، یعنی کسی نیست که از خارج این سیستم آمده باشد.»

دنیا هم رئیس‌جمهور می‌گوید من به تمام نمایندگان مجلس گفته‌ام اینها آزادانه می‌توانند انتقاد کنند و حرف‌های خود را بیان کنند ولی اصل ماجرا این است که نمایندگان مجلس از فیلتر دیکتاتور عبور می‌کنند و هرگز کسانی نمی‌توانند وارد مجلس شوند که بخواهند حرف حق را بیان کنند. اگر واقعا می‌خواهید تشکل‌ها به‌معنای واقعی تشکل باشند، این همه نگاه‌های امنیتی را از روی آنها بردارید. اگر می‌خواهید تشکل‌ها تشکل شوند اجازه دهید در قالب و چارچوب قانون مدنی این روند دو‌ساله برای تبیین تشکل مدنی که هیچ چشمداشتی ندارد، نباشد و اگر کسی تخلفی کرد یقه آن را بگیرد ولی نه اینکه بخواهد شروع کند دو سال درگیر سوءپیشینه باشد و درنهایت فشارهای امنیتی زیادی داشته باشند که نتوانند کار کنند. درنهایت هم انتهایی می‌مانند که جزء دوستان هستند. خود به‌جرات می‌گویم تشکل واقعی در حوزه محیط‌زیست را از دست دادیم. آنهایی که مانند کسانی هستند به نحوی با این دوستان در ارتباط هستند، برادری خود را ثابت کردند. این تشکل‌ها منتقد سازمان محیط‌زیست یا سازمان جنگل‌ها نیستند؛ چرا که با اینها پروژه و مرادوه دارند. این سرمایه اجتماعی عملا از بین رفته است. به‌جای اینکه چنین دسترسی بدهیم، این قانون تشکل‌ها را که ۱۰ سال روی زمین مانده و از این دولت به آن دولت می‌رود، تصویب کنیم، ما قانونی برای تشکل‌ها نداریم. بر